

گزارش یک دنیاچیدری

ترس از باخت باعث شد یک دربی دیگر بدون هیچ بار فنی و حتی هیچانی به نقطه پایان برسد؛

دربی‌ای که هنوز هم هواداران زیادی را به ورزشگاه می‌کشاند اما سال‌هاست پخار لازم را ندارد.

انتظارات بسیار فراتر از یک تساوی بدون گل بود، اما هر دو مربی بیش از حد محافظه‌کار بودند، به طوری که هیچ یک از دو تیم در طول ۹۰ دقیقه به آستانه خلق موقعیت طلایی هم نرسیدند، حال آنکه با توجه به عملکرد اخیر دو تیم، سکو‌ها انتظار یک بازی پرحرارت و پر گل را می‌کشیدند اما عدم خروج از قاب احتیاط، نتیجه‌ای را رقم زد که صرفاً سایننتو از آن رضایت داشت و بس.

پرسپولیس اوسمار بیشتر توپ را داشت و استقلال سایننتو فضای بازی را، به گونه‌ای که نتیجه یک توازن سرد و بسته شده همان ترکیبی که نه‌اجازه ساخت موقعیت‌را صادر کرد و نه فرمان ریسک تا حداقل یک صحنه واقعی برای گل ترتیب داده شود.

هافبک‌های استقلال یکی از بهترین بازی‌های تخریبی خود را به نمایش گذاشتند اما این تیم در فاز تهاجمی ایده‌ای نداشت و پاس‌های طولی کم بود و در واقع هافبک‌ها از ترس ضحمله حریف ریسک نمی‌کردند و همین مسئله باعث شده بود فاصله آنها با مهاجمان زیاد باشد و در یک کلام حمله مهم‌ترین نقطه ضعف آبی‌پوشان در این بازی بود چراکه در این بازی وینگرهای استقلال نیز بیشتر دفاع می‌کردند تا حمله و همین مسئله باعث شده بود هیچ برتری عددی در کنارها شکل نگیرد.

تعداد شوت‌ها به شکل قابل توجهی کم باشد و انتقال‌ها نیمه‌کاره بماند. استقلال می‌توانست در ضحمله خطرناک باشد اما عدم پشتیبانی از سوی هافبک‌ها، اجازه زهر آگین شدن ضحملات را به این تیم نمی‌داد.

مدافعان این تیم اما عملکرد خوبی داشتند، به طوری که مهاجم مرکزی پرسپولیس عمدتاً در تور مدافعان استقلال گیر می‌کرد و وینگرها نیز عملکرد جالب توجهی از خود به نمایش نگذاشتند، خصوصاً در ورود به باکس دفاعی حریف.

در واقع استقلال فضا را برای مهاجمان حریف بسته بود و همین مسئله اوضاع را برای مهاجمانی که نه در پاس‌های آخر دقت و کیفیت لازم را داشتند نه در ضربات آخر، نمی‌توانستند تهدید جدی روی دروازه آنان ایجاد کنند؛ گلری که چندان هم مطمئن نیست و صرفاً به دلیل مهار پناالتی فولاد بود که توانست حضورش در دربی را تضمین کند، البته پرسپولیس در خلق موقعیت برتری قابل توجهی نسبت به حریف داشت اما هیچ یک از موقعیت‌های تدارک دیده‌شده روی دروازه استقلال طلایی نبود که بتواند تغییری در نتیجه بازی ایجاد کند و سکو‌ها را به وجد آورد.

■■■■

شاگردان اوسمار با برنامه از پیش تعیین‌شده سعی داشتند با کنترل بازی و مصوری راه به دروازه حریف باز کنند. مالکیت کنترل، شیوه مورد علاقه و همیشگی مرد برزیلی نیمکت سرخ‌پوشان است، به همین دلیل کاملاً مشهود بود که برنامه اصلی او تسلط بر توپ و به دست گرفتن نبض بازی است، هر چند سرخ‌پوشان غالب دقایق نیمه نخست میانه میدان را در اختیار داشتند اما این کنترل به عمق نرسید، یعنی مالکیت به نوعی بود که صرفاً حفظ توپ را در پی داشت

و به موقعیت‌سازی منجر نشد چراکه استقلال اجازه ریتم‌سازی را به حریف نمی‌داد، به همین دلیل وینگرهای پرسپولیس به جای برتری‌سازی مرتب مجبور به بازگشت بودند و شرکت شدن در حفظ توپ، البته سرخ‌پوشان چند باری موفق به حفظ توپ در نیمه استقلال شدند اما فرار پست دفاع، پاس سوم و زمانبندی در ورود به باکس دفاع استقلال عملاً وجود خارجی نداشت و عمده پاس‌ها یا بلوک می‌شد یا رسماً به دلیل اشتباه بازیکنان پرسپولیس (نه صرفاً برتری حریف در دفاع) لو می‌رفت. در واقع بی‌دقتی مشهود در دادن پاس‌های نهایی، باعث می‌شد مهاجمان پرسپولیس

یا اغلب در یک‌دو گرفتار شوند یا پاس‌هایی پشت به دروازه و بی‌کیفیت دریافت کنند که همین مسئله اجازه خلق موقعیت جدی را به تیم میزبان نمی‌داد. تیم سایننتو انرژی، درگیری و پرس لحظه‌ای داشت اما در فاز مالکیت نتوانست عملکرد قابل قبولی به نمایش بگذارد. در واقع در یک کلام می‌توان گفت که اوسمار نتوانست استقلال را باز و سایننتو هم نتوانست تیم حریف را غافلگیر کند، یعنی فریز کامل بازی!

■■■■

آبی‌پوشان یک ایده مشخص را دنبال می‌کردند؛ خفه کردن سرخ‌پوشان در میانه میدان. عملکرد دقیقه و فشرده استقلال در لاک دفاعی این اجازه را به خط هافبک می‌داد تا بدون دغدغه به سمت میانه میدان پیشروی کند اما باوجود توپ‌گیری، استقلال توانی برای ایجاد حمله، آن هم حمله‌ای که برنده باشد و بتواند خط دفاع یا دروازه حریف را ازار دهد، نداشت. این در حالی بود که تصور می‌شد پاسر آسانی و منیر حدادی دفاع و دروازه پرسپولیس را به شدت تحت فشار قرار دهند، خصوصاً که آسانی با شوت‌های سرکش خود خطری جدی برای هر گلری محسوب می‌شود، اما در این بازی سرگردان که نه خط حمله پرسپولیس زهر دار بود و نه استقلال پاسر آسانی هم نتوانست برخلاف انتظار آن نمایشی را که تصور می‌شد ارائه دهد چراکه هیچ تیمی به ریسک کردن حتی فکر نمی‌کرد، به همین دلیل خبری از تشکیل بازی‌های دو نفره در کنارها نبود و هیچ فول‌بکی جلو نمی‌رفت تا برتری عددی بسازد و این نشان می‌داد شجاعت ریسک در خط دفاعی نه برای پرسپولیس تعریف شده و نه استقلال.

از سوی دیگر مبارزه سنگین و فیزیکی هافبک‌ها و خلاقیت کم آنها نه تنها شکل‌گیری پاس خطرناک را عملاً در نطفه خفه می‌کرد که نشان می‌داد هم اوسمار و هم سایننتو بیش از گلزنی، به بسته نگه‌داشتن دروازه خود می‌انداشتند؛ مسئله‌ای که

پوچ در پوچ

وقتی ترس حرف اول و آخر را می‌زند



البته سرمربی استقلال در کنفرانس بعد از بازی نیز به آن اشاره کرد. سرمربی استقلال صراحتاً گفت که وقتی در اینجین بازی‌هایی شما نمی‌توانید به هدف اول خود که بردن و گلزنی است برسید، باید دنبال هدف دوم باشید که گل نخوردن و نه باختن در خانه حریف است، به همین دلیل هم بود که بدون عبور هیچ تویی از خط دروازه‌ها سوت پایان بازی به صدا در آمد تا این بازی هم با نمایشی سرد، کند و بی‌رق به پایان برسد.

■■■■

تنها شش شوت در چهارچوب در طول ۹۰ دقیقه نشان از ناکامی هر دو تیم در خلق موقعیت جدی و خطرناک داشت، اما واقعیت این ضعف چیز دیگری بود. در اصل ترس از باخت بود که باعث شد به رغم آنچه انتظار می‌رفت، این بازی نیز کسل‌کننده، بی‌جان و کم‌خطر به نقطه پایان برسد، صرفاً چون یکی ترجیح می‌داد موفقیت‌هایی که در چند بازی اخیر کسب کرده خدشه‌دار نشود، آن دیگری هم برایش صدرنشتینی با یک بازی کمتر کافی بود! در حالی که هم پرسپولیس موقعیت و مهره کافی برای به نمایش گذاشتن یک بازی سراسر هجومی و جذاب را داشت و هم استقلال، اما فشار روانی، حساسیت جدولی و ترس از باخت باعث شده بود اوسمار و سایننتو یاران خود را با تفکراتی کاملاً محتاطانه روانه میدان کنند، با کمترین ریسک ممکن. حال آنکه ساخت مثلث هجومی، حرکت مستمر بدون توپ و جابه‌جایی هوشمندانه هافبک‌های تهاجمی می‌توانست مدافعان را بیرون کشیده و فضا را به راحتی برای شوت‌زنی بازفوذ باز کند. علاوه بر آن، پاس‌های عمقی در میانه می‌توانست فضا را تغییر دهند؛ پاس‌هایی که بتواند باعث تغییر سریع فاز از میانه به پشت دفاع حریف شود، البته در این شرایط خطر ضحمله وجود دارد اما هماهنگی و پرس برای بازپس‌گیری سریع توپ هنگام لو رفتن آن و تغییر سریع در فاز دفاعی می‌تواند حریف را در ضحمله ناکام گذاشته و حملات ناگهانی را سریعاً مهار کند؛ مواردی که در مصاف سرخابی‌های پایتخت در دربی اراک مشاهده نشد، حتی در لحظات پایانی که شجاعت هجومی می‌توانست نتیجه تساوی را تغییر دهد نیز در برنامه‌های هیچ یک از دو تیم نبود، صرفاً چون این داستان ریسک باخت را به دنبال داشت و هم برای اوسمار و هم سایننتو کسب یک امتیاز به مراتب بهتر از باخت در دربی بود!



تشکیل می‌دهند.

■ **ورود به رده بزرگسالان**

سگی، معاون فنی کمیته‌ملی پارالمپیک نیز در خصوص استفاده از ظرفیت جوانان اظهار داشت: شش طلای بازی‌ها هانگزو و یک طلای پارالمپیک پاریس حاصل تلاش‌های مدال‌آوران مان در بازی‌های جوانان ۲۰۲۱ بحرین بود. نگاه ما به بازی‌های آسیایی ۲۰۳۰ و بازی‌های پارالمپیک ۲۰۳۲ است. هر ورزشکاری که رکوردش در حد تیم بزرگسالان باشد، به اردوهای بازی‌های آسیایی ناگویا دعوت خواهد شد. تشکیل تیم‌ملی بی نیز در دستور کار قرار دارد.

بی‌اهمیت مثل دربی



■ **فریدون حسن**

حالا که سروصداهای قرعه‌کشی جام جهانی خوابیده بد نیست نگاهی هم به بازی عصر جمعه داشته باشیم؛ دیداری که خیلی‌ها وقتی که تمام شد تازه متوجه آن شدند، بله منظور مان دربی پایتخت است!

عصر جمعه دربی بود. خیلی‌ها نمی‌دانستند، خیلی‌ها بی‌تفاوت بودند و خیلی‌ها هم اهمیت ندادند. شهر شلوغ بود، حتی بین ساعت ۳/۵ تا ۵/۵، برعکس تمام سال‌ها بی که وقت دربی، خیابان‌های تهران خلوت می‌شد. عصر جمعه هیچ تفاوتی با روزهای معمولی نداشت. تلویزیون تحریریه «جوان» روشن بود، اما انگار نه انگار، هیچ سروصدایی نبود، جالب اینکه یکی از بچه‌های استقلال که بین نیمه رسیده بود، پرسید: «مگر امروز دربی است؟» نفر دوم که این سؤال را پرسید، واقعاً متوجه شدم دربی چقدر بی‌اهمیت شده است.

■■■■

خب این بزرگ‌ترین بازی فوتبال باشگاهی ایران است که بعد از چندین دهه به این حال و روز افتاده است، اینقدر بی‌اهمیت که حتی نتیجه‌اش هم خیلی زود فراموش شد. همه چیز در حد سفر درست مانند صفرهای بزرگی که جلوی اسم دو تیم بعد از بازی گذاشته شد. از بار فنی می‌خواهید بنویسید؟ صفر بود. از اخلاق می‌خواهید بگویید؟ صفر بود. کلا همه چیز صفر بود، در ست مثل نتیجه بازی.

آنچه خبر می‌رسید درگیری هواداران دو تیم بود از ساعت‌ها پیش از به صدا در آمدن سوت وحید کاظمی، داوور مسابقه؛ درگیری‌هایی که از هفته‌ها قبل خود باشگاه‌ها آن را آغاز کرده بودند. پرسپولیس و استقلال هفته‌ها بود به هم جنگ و دندان نشان می‌دادند، به هم توهین می‌کردند. فرقی هم نمی‌کرد چه کسی باشد. از مدیران دو باشگاه گرفته تا بازیکنان، پس تعجبی نداشت که هواداران دو تیم هر چند تعدادشان به ۸ هزار نفر رسیده بود به جان هم بیفتند و با قله‌وسنگ از هم پهلوانی می‌گویند. از اینکه بیچاره‌اراک‌ی‌ها که مجبورند میزبان این همه بداخلاقی و هتاک‌ی باشند و دم هم نزند، من به جای آنها باشم بعد از بازی عصر جمعه دیگر زیر بار چنین ننگی نمی‌روم.

■■■■

دو باشگاه مثلاً فرهنگی و ورزشی ایران از مدت‌ها قبل شروع می‌کنند به هتاک‌ی و پرده‌دروی و بعد به فاصله چند روز مانده به بازی ناگهان باهم برادر می‌شوند و از مروت و پهلوانی می‌گویند. از اینکه رقابت فقط داخا میدان است و خارج از میدان مسابقه همه چیز گل و بلبل است و وفاق و برادری موج می‌زند بین آبی و قرمز، شاید باید خطاب به آنها گفت که خودتانیدا کدام رقابت، روی سکو‌ها هواداران



به جان هم افتادند و اگر نبود فنس‌های بین‌شان حتماً تلفات جانی هم می‌دادند. این رفتار هوادار به طور مستقیم انعکاس رفتارهای زشت و زنده مسئولان دو باشگاه است که تا همین هفته پیش به جان هم افتاده بودند. حالا هوادار قبل از آغاز مسابقه عقده‌هایش را خالی می‌کند و باز یک‌نوا می‌دهند، بعد از بازی به جان هم می‌افتند. جالب‌تر اینکه بی‌اخلاقی‌ها حتی به مثلاً کارشناسان دعوت‌شده به برنامه تلویزیون هم می‌رسد؛ جایی که حتی تحمل نظر یک‌دیگر را هم ندارند و بلافاصله موضع‌گیری می‌کنند و اگر چاره داشتند حتماً بقه هم را هم می‌گرفتند.

■■■■

بگذریم، یک دربی دیگر هم تمام شد، جدای از نتیجه هیچ چیز خاصی هم نداشت تا ثابت شود فوتبال ایران تا چه حد عقب افتاده، این بازی کل سرسبد فوتبال ایران بود. مهم‌ترین بازی لیگ برتر؛ دیداری که مثل همیشه مدت‌ها رسانه‌های لال‌ال‌مآب در پی بزرگ‌نمایی از آن بودند و چقدر باید افسوس خورد که عده‌ای همچنان فریب می‌خورند و به هر دری می‌زنند تا خودشان را به این بازی برسانند. دربی جمعه (دربی ۱۰۶) هم تمام شد. یک صفر - صفر دیگر، اما یک فرق اساسی با تمام صفر - صفرهای تاریخ دربی داشت و آن؛ اینکه دربی روز آنقدر کم‌اهمیت‌ترین دربی تاریخ فوتبال ایران بود، آنقدر کم‌اهمیت که همه چیز چند دقیقه بعد از سوت پایان بازی از یادها رفت.

این حقیقت تلخی است که عصر جمعه سیلی آن به صورت فوتبال خورد اما در هیاهوی قرعه‌کشی جام جهانی نه صدا و درد آن را شنیدیم و نه احساس کردیم. دربی، شناسنامه فوتبال ایران هیچ چیزی نداشت و این در دو فوتبال ایران بود که حتی احساسش هم نکردیم؛ فوتبالی که قرار است با این بازی‌های باشگاهی برود و در جام جهانی امید داشته باشد که به مرحله بالاتر صعود کند.

عصر جمعه دربی به پایتخت برگزار شد اما هیچ حال و هوایی نداشت تا بیشتر باور مان شود فوتبال ایران در رده باشگاهی با سرعتی باور نکردنی ارزش و اعتبار خود را از دست داده و به سطح سرعت از سطح یک قاره آسیا فاصله می‌گیرد و به همین پایین‌تر نزدیکی می‌شود. عصر جمعه دربی بود ولی خیلی‌ها هنوز هم نمی‌دانند.